



## ضع اسم حيوان أو طير في الفراغ اسم حيوان یا پرنده را در جای خالی بگذار

1 {وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَذْبَحُوا (.....)}

و آنوقت که گفت موسی به قوم خود هر آئینه خدا شما را به کشتن گاو دستور می فرماید

2 {فَالْتَقَمَهُ (.....) وَهُوَ مُلِيمٌ}

پس او را ماهی فرو برد و او (کاری را کننده بود که موجب ملامت شده بود

3 {وَتَفَقَّدَ الطَّيْرَ فَقَالَ مَا لِيَ لَا أَرَى (.....) أَمْ كَانَ مِنَ الْغَائِبِينَ}

و احوال مرغان را جستجو کرد پس گفت چیست مرا که هدهد را نمی بینم یا هست از غایب شدگان

4 {فَبَعَثَ اللَّهُ (.....) يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ لِيُرِيَهُ وَكَيْفَ يُورِي سَوْعَةَ أَخِيهِ}

پس خدا زاغی را که در زمین می‌شگافت فرستاد تا بنمایدش چگونه جثه برادر خود را بپوشد

5 {قَالَ إِنِّي لَيَحْزُنُنِي أَنْ تَذَهَبُوا بِهِ وَأَخَافُ أَنْ يَأْكُلَهُ (.....) وَأَنْتُمْ عَنْهُ غَافِلُونَ}

گفت هر آئینه مرا اندوهگین می کند آنکه ببردش و می ترسم از آنکه او را گرگ بخورد و شما از او بی خبر باشید

6 {يَأْيُهَا (.....) ادْخُلُوا مَسَاكِنَكُمْ لَا يَحْطَمَنَّكُمْ سُلَيْمَانُ وَجُنُودُهُ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ}

ای مورچگان به خانه ی خود در آید تا نادانسته شما را سلیمان و لشکرهای او در هم نشکند

7 {إِنْ هَذَا أَخِي لَهُ تِسْعٌ وَتِسْعُونَ (.....) وَلِي (.....) وَاحِدَةً}

این برادر من است او راست نود و نه میش و مرا یک میش است

8 {فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ (.....) إِنْ تَحْمِلْ عَلَيْهِ يَلْهَثُ أَوْ تَتْرُكْهُ يَلْهَثُ}

پس صفت او مانند صفت سگ است اگر مشقت اندازی بروی زبان از دهن بیرون افکند و اگر بگذاری او را

نیز بیرون افکند



9 {أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ (...)}{

آیا ندیدی با اهل فیل پروردگار تو چگونه معامله کرد؟

10 {كَأَنَّهُمْ (...)} مُسْتَنْفِرَةٌ \* فَرَّتْ مِنْ (...){

گویا ایشان گور خران رمنده اند که از شیر ی گریخته باشند

11 {فَأَلْقَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ (...)} مُبِينٌ{

پس عصای خود را انداخت پس ناگهان آن عصا ازدهایی ظاهر شد

12 {مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ (...)} يَحْمِلُ أَسْفَارًا{

مثال آنانکه تورات بر آنان (تکلیف) نهاده شد باز آن را برداشتند مانند مثال خر است که کتاب را حمل می کند

13 {وَيَا قَوْمِ هَذِهِ (...)} اللَّهُ لَكُمْ آيَةٌ فَذَرُوهَا تَأْكُلْ فِي أَرْضِ اللَّهِ وَلَا تَمَسُّوهَا بِسُوءٍ{

و ای قوم من این ماده شتری است که خدا برای شما نشانه ای فرستاده است پس بگذاریدش تا در زمین خدا بخورد و به وی هیچ ضرری مرسانید

14 {وَأَوْحَى رَبُّكَ إِلَى (...)} أَنْ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ{

و الهام فرستاد پروردگار تو به سوی زنبور عسل که خانه ها از کوه ها و از درختان بساز و از آنچه مردمان بنا می کنند

15 {فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الطُّوفَانَ وَ (...)} وَ (...)} وَ (...)} وَ الدَّمَ آيَاتٍ مُفَصَّلَاتٍ فَاسْتَكْبَرُوا

وَكَانُوا قَوْمًا مُجْرِمِينَ{

پس بر ایشان طوفان و ملخ و کنه (شپش) و گوکها (قورباغه ها) و خون نشانه های واضح کرده شده فرستادیم پس

سرکشی کردند و قوم گناهکار بودند

16 {مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ (...)} اتَّخَذَتْ بَيْتًا{

وصف آنانکه دوستان گرفته اند غیر از خدا همچون داستان عنکبوت است

17 {فَلَمَّا عَتَوْا عَمَّا نُهَوْا عَنْهُ قُلْنَا لَهُمْ كُونُوا (...)} خَاسِيْنَ{

پس چون تکبر کردند از ترک آنچه ایشان را (از آن) منع کرده شد گفتیم ایشان را بوزینگان خوار شده شوید

18 {أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى (...)} كَيْفَ خُلِقَتْ{

آیا بسوی شتران نمی نگرند چگونه آفریده شدند

19 {خُشِعَا أَبْصَارُهُمْ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ كَأَنَّهُمْ (...)} مِّنْتَشِرٌ{

در حالیکه چشمهای ایشان فروهشته باشد (آن روز) از قبرها بر آیند گویا ایشان ملخ پراکنده اند





20 {يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ (.....) الْمَبْتُوثِ}

روزی که مردمان مانند پروانه های پراکنده ساخته باشند

21 {مَنْ لَعَنَهُ اللَّهُ وَغَضِبَ عَلَيْهِ وَجَعَلَ مِنْهُمْ (.....) وَ (.....)}

آن بدتر کسی است که او را خدا لعنت کرد و خشم گرفت بروی و از ایشان بوزینگان و خوکان گردانید

22 {فَرَأَى إِلَى أَهْلِهِ فَجَاءَ (.....) سَمِينٍ}

پس متوجه شد به سوی اهل خانه ی خود پس گباب گوساله فربه آورد

23 {فَأَلْقَاهَا فَإِذَا هِيَ (.....) تَسْعَى}

آنگاه آن را انداخت پس ناگهان ماری شد که می شتافت

24 {ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ مِّنْ (.....) اثْنَيْنِ وَمِنْ (.....) اثْنَيْنِ}

هشت قسم را آفرید از گوسفند دو قسم و از بز دو قسم

25 {إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَّا (.....) فَمَا فَوْقَهَا}

هر آئینه خدا از آنکه بزند مثال پشه ای و بالاتر از آن شرم نمیکند

26 {قَالُوا نَفَقْدُ صَوَاعَ الْمَلِكِ وَلِمَنْ جَاءَ بِهِ حِمْلُ (.....) وَأَنَا بِهِ زَعِيمٌ}

گفتند پیمانۀ ی پادشاه را گم کرده ایم و برای کسی که بیاوردش یک بار شتر باشد و من به این وعده ضامنم

27 {إِنَّهَا تَرْمِي بِشَرَرٍ كَالْقَصْرِ كَأَنَّه (.....) صُفْرٌ}

هر آئینه آن آتش شراره هایی مانند قصر می افکند گویا آن شراره ها شتران زرداند

28 {قَالَ هِيَ عَصَايَ أَتَوَكَّوْا عَلَيْهَا وَأَهْسُ بِهَا عَلَى (.....) وَلِي فِيهَا مَارِبٌ أُخْرَى}

گفت این عصای من است بر آن تکیه می دهم و با آن برای گوسفندان خود برگ میریزم و مرا درین عصا کارهای دیگر نیز هست

29 {إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَنْ يَخْلُقُوا (.....) وَلَوْ اجْتَمَعُوا لَهُ}

هر آئینه آنانکه به جای خدا میخوانید هرگز مگسی را نمی توانند آفرید اگر چه برای آن همگی جمع شوند

30 {وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِّنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِّبَاطٍ (.....) تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ}

و ای مسلمانان برای (مقابله) ایشان آنچه توانید از توانایی مهیا سازید و از آماده داشتن اسبها که بآن دشمن خدا و دشمن خویش را می ترسانید